

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَسِرْتُ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً
مِنْ لَّسَايِ ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

”ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کپه !
او زما امر (درسالت) را ته آسان کپه ! او زما
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه پوی.“

فقه

اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه
فی الدین.

(حدیث شریف)

”کسی که خداوند به او اراده خیر فرماید
اور ا در امور دین داشتمند می سازد“

جنوری 2019

ربيع الثاني 1440

شماره دو صد و پنجاه و ششم

مسائل و احکام فقهی

موضوع حلال و حرام

در عصر حاضر موضوع حلال و حرام یک موضوع بسیار ساده در جامعه افغانی شده است، یک طرف یک مورد را حلال و طرف دیگر آنرا حرام می داند. مشکل در موضوعات حرام و حلال زمانی بیشتر شد که مفتی ها در جامعه افغانی بسیار زیاد شدند و تعداد جواب دهنده نسبت به سوال کننده بیشتر گردید بمعنی دیگر زندگی کاملاً منقلب یا سر چپه گشت. عده در فتوا های شان حاضر شدند تا در آخرت از طرف کسانی که به فتوا و نظریات شان عمل بکنند جواب بدھند و آخرت مردم را نیز بیمه کردند.

جواب دهنده گان و نویسنده گان در دادن فتوا خداوند را حاضر بدانند و بفهمند که کلمه (حرام) یک کلمه بسیار خطناک است و خداوند سبحانه و تعالی گوینده و یا فاعل آنرا عقاب شدید و عده داده است. مسأله فتوا خصوصاً در حلال و حرام به مزاج ، خواهش و نظر و با استفاده از احادیث ضعیف و استفاده از کتب قدیم نباید باشد بلکه به نص صریح و ثابت و اجماع معتبر و صحیح و در دائره عفو یعنی دائرة ایکه در آن نص ثابت نیست باشد .

امام مالک می گوید : مشکل ترین چیز برای من آن است که در مورد حلال و حرام از من سؤال شود .
حضرت عمر و علی و سائر صحابه رضی الله عنهم هر وقتیکه از ایشان فتوا خواسته میشد ، صحابه را جمع میکردند و در مورد سؤال فتوا می خواستند در حالیکه امروز دادن فتوا کاملاً شکل دیگر را بخود گرفته و در دادن جواب و فتوا خصوصاً در مورد حلال و حرام همه بی تفاوت شده اند .
حلال ساختن و حرام نمودن فقط از حق خداوند است . خداوند می فرماید: بگوآیا دیدید چیزی را که فرود آورده است ساختید بعض آن را حرام و بعض آن را حلال بگو آیا خدا اجازه داده است شما را یا بر خدا دروغ می بندید . (یونس : ۵۹) «حلال آنست که خداوند و رسولش آنرا حلال ساخته و حرام آنست که خداوند و رسولش آنرا حرام ساخته» .

امام شافعی از امام یوسف در کتاب خود (الام) نقل میکند که: مشایخنا از اهل علم کراحتیت داشتند اگر از حلال و حرام سؤال می شدند و حلال و حرام در کتاب خداوند بدون تفسیر است یعنی تفسیر نمی خواهد به عبارت دیگر واضح بیان شده است .. ابراهیم نخعی می گوید اگر از اصحاب ما سؤال میشد میگفتند این مکروه است و در این مانع نیست و نمی گفتند این حلال است و این حرام .

پروفیسور داکتر عبدالستار سیرت
أسماء الله الحسنی
(القدوس)

از نام های مبارک و نیکوی الله - جل جلاله - است (هوالله الذي لا إله إلا هو الملك القدس السلام، الحشر: 23).

معنی سلام از نظر لغت: امان، آطمینان، آرامش، سلامت، نجات و صلح است، والله السلام مفهوم سلامت از هر عیب و نقص، و صفت کمال او تعالی را در ذات و صفات و افعال افاده می کند، و الله السلام یعنی بخشناینده امن و سلامتی برای بندگان و مخلوق در دنیا و آخرت می باشد. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بعد از اسلام نماز که شعار برآمدن از شعائر نماز است همواره می گفتند: (اللهم انت السلام ، و منك السلام، تبارك ياذا الجلال والاكرام- صحيح مسلم- 591).

الهی! تو سلام هستی، و سلام از جانب تو است. تو ای صاحب جلال و احسان (بربندگان و مخلوق) چه بزرگ و بزرگوار و دارای برکات زیاد هستی، السلام بحیث نام و صفت الله - سبحانه و تعالی - به مفهوم سلام حقیقی و کامل و سلامت از هر نوع شریک و شبیه و نقص و عیب در الوهیت و رویت و در اسماء و صفات او تعالی است، اما سلامت در مورد مخلوق و بندگان و حتی پیامبران به مفهوم نسبی و غیر کامل است و چون انسان طبیعتاً محتاج است و همه احتیاجات خود بخود بدست نمی آید و انسان در روابط فامیلی و اجتماعی و اقتضادی به سعی و تلاش ضرورت دارد، از آنرو سلامت و آرامش کامل در حیات دنیا که اصلاً دارالسلام نیست بلکه دار عمل و امتحان است میسر نخواهد بود و البته سلامت حقیقی برای انسان مؤمن در جنت نصیب خواهد شد و یکی از نام های بهشت (دارالسلام) است و پروردگار مهریان بندگان مؤمن خود را به دارالسلام (خانه امن و سلامت بهشت) دعوت میفرماید) و الله يدعوك إلى دارالسلام - یونس - 25) کلام الهی و نظام و احکام الله و هر آنچه از جانب او تعالی رسیده است و میرسد سالم و کامل و بی عیب است، الله السلام دین مقدس و کامل و خاتم خود را بنام (اسلام) پسندیده است. کلمه (السلام) با مشتقات آن (113) بار در قرآن کریم تکرار شده است.

(القدوس) از جمله اسمای حسنی و نام های مبارکی است که الله - سبحانه و تعالی - خویشتن را به بندگان خود به آن معرفی فرموده است: « هو الله الذي لا إله إلا هو والملك القدس» (الحشر: 23). او الله ، ذاتی است که هیچ معبدی بحق جز او وجود ندارد ، او تعالی فرمانروا ، پاک ، منزه ، بی عیب و نقص است. القدس: به معنی مبارک، پاک از همه انواع نقص و عیب، و منزه از داشتن قرین و اولاد و امثال، و ممدوح به محاسن و فضائل و موصوف به صفات کمال و جلال است . قدس به مفهوم طهارت و پاکی وارد شده و نام بیت المقدس به معنی، خانه و مکانی که مردم خویشتن را از طریق عبادت در آن و به یمن قدسیت آن پاک می سازند از همین کلمه گرفته شده است.

جبرئیل - عليه السلام - بنام (روح القدس) یاد شده (و ایدناه بروح القدس - البقرة: 87) . بخاطریکه پاک خلق شده و فرشته نورانی است و قرآن پاک را از جانب الله - تبارک و تعالی - به قلب رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - میرساند. در انتخاب نام و وصف (القدس) از جانب خداوند دعوت مخلوق و بندگان به تقدیس و تسبیح و تمجید الله - سبحانه و تعالی - است و این تقدیس و تسبیح و تمجید از جمله مقدس‌ترین عبادتی است که اهل زمین و آسمان ها تمام اجزای کائنات به وسیله آن به تعظیم و تقدیس پروردگار شان می پردازند، (یسبح لله ما في السموات وما في الأرض الملك القدس العزيز الحكيم- الجمعة: 1) .

آنچه که در آسمان ها و زمین است به تسبیح و تقدیس الله مشغول اند، آن ذاتی که پادشاه حقیقی و فرمانروا، پاک و منزه، غالب و با حکمت است کلمه (القدس) در قرآن کریم دوبار، و (المقدس) دو بار ، و (روح القدس) چهار بار ذکر شده است.

فضل غنی مجددی

فقه اقلیت های اسلامی در کشور های غربی

از یک قرن به این طرف مسلمانان اقلیت های اسلامی را در کشورهایی غربی می سازند و به مرور وقت مسلمانان جزء جامعهٔ غرب شدند و تابعیت کشور هایی غربی را بدست آوردند. با هجرت به غرب شرایط محیط زیست و زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان کاملاً نسبت به کشور هایی اسلامی تفاوت کرد و مسلمانان برای حل مشکلات شان به دانشمندان و فقهای معاصر به تماس شدند و برای رفع مشکلات شان خواهان اجتهاد گردیدند. علمای کرام و مجتهدین بزرگ برای رفع مشکلات مسلمانان در غرب فتوا صادر کردند و در فتوا هایی شان شرایط محیط جدید را مد نظر داشتند که متأسفانه جامعهٔ افغانی در غرب از تغییرات در مسائل فقهی و نظریات جدید اجتهادی برای بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود استفاده نکردند و حتی حاضر نشدند تا نظریات معاصر را مطالعه کنند و از جانب دیگر دانشمندان افغانی خود را زحمت ندادند تا نظریات جدید را به بزیانهای مردم افغانستان ترجمه و به جامعهٔ مهاجر افغانی تقدیم کنند. مهمترین سبب مشکلات معاصر افغانها در جهان غرب دوری از مجامع علمی و دارالافتاء ها و مطالعهٔ فقه اقلیت های اسلامی در غرب است. متأسفانه مهاجرین افغانستان نتوانستند از تأثیرات فرهنگ و ثقافت میراثی که در افغانستان از آن پیروی می کردند خارج شوند و اکثراً افغانها فرهنگ میراثی و ثقافت که از اجداد باقی مانده بود آنرا جزء دین تصور کردند و مراکز و مجامع اسلامی افغانی نیز موفق نشدند تا بین اصل دین و فرهنگ و ثقافت میراثی فرق را بیان کنند.

در نتیجهٔ فشار های محیطی و مشکلات که مسلمانان در غرب به آن مواجه شدند و احساس کردند که روش فقهی که در کشورهای خود داشتند

دانشمندان معاصر اسلامی به این نظر و عقیده اندکه مشکلات مسلمانان در عدم معرفت شان از اسلام نیست، مسلمانان اسلام را خوب میدانند و فرائض را بجا می آورند و اما مشکلات مسلمانان در عدم فهم از عصری است در آن زندگی دارند. باین معنی که مسلمانان در قرن 21 زندگی دارند اما برای حل مشکلات شان به نظریات قرن های گذشته مراجعه می نمایند و به عبارت دیگر حل مشکلات معاصر را در نظریات چند قرن قبل جستجو می نمایند.

شناخت عصر و محیط زیست و مشکلات آن انسان را به واقعیت های زندگی نزدیک تر می سازد. عصر باین معنی نیست که مسلمانان اسلام را عصری سازند بلکه باین معنی است که مسلمانان عصر را اسلامی می سازند.

علمای گذشته زحمات فوق العاده کشیدند و با استفاده از نصوص اسلامی مسائل فقهی را جهت حل مشکلات وقت شان تدوین کردند و ثروت فکری عظیم را به نسل های آینده به میراث گذشتند و اعمال علمی شان کتابخانه اسلامی را غنی ساخت.

فقهاء در گذشته در مورد مهاجرت مسلمانان به کشور های غیر اسلامی به دلیل عدم ضرورت آن توجه زیاد نکردند و با عدم توجه و ضرورت به مهاجرت به کشور های غیر اسلامی، مسلمانان را توصیه کردند تا در حالت ضرورت اگر به کشور غیر اسلامی داخل میشوند قوانین آنکشور را مراعات و احترام نمایند و اضافه کردند که در جریان اقامت شان میتوانند با قوانین عمل کنند که مخالف قوانین در کشور اسلامی باشد به دلیل اینکه عصمت نیست مگر با اسلام.

که باسas سود (مفad) است ، داشتن بیمه صحی ، بیمه موتور خانه و داشتن کریدت کارت و داشتن حساب جاری و بیمه حیات و بیمه قبرستان و تعمیر مساجد به قرضه بانکی که باسas سود است و غیره که از ضرورت های جامعه غربی است. برای حل این معضله و مشکلات جدید دانشمندان معاصر اسلامی در فکر تأسیس فقه جدید برای اقلیتهای اسلامی شدند. فقه جدیدگرفته شده از مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت و اجتهادات علماء معاصر اسلامی.

همچنان جهت رفع حرج (مشکل) از مردم فقه جدید دیگر بنام (**قیسیر الفقه * فقه آسان**) و (**فقه واقعی**) معرفی شد و اکثر مسلمانان به آنها آشنائی یافتند. فقه واقعی ، واقعیت های زندگی معاصر مسلمانان را در نظرداشت و حل مناسب را در روشنی اساسات اولیه اسلام به جامعه اسلامی معرفی نمود. عده باین فکر و نظریه بودند که در پهلوی فقه شرعی یا قوانین شرعی چطور ممکن است فقه واقعی و یا فقه آسان تدوین گردد. علامه دکتور یوسف القرضاوی موفق شد تا بین فقه شرعی و فقه واقعی جمع نماید .

همچنان فقهاء دو فقه جدید دیگر را بنام:

1. **فقه الموازنات**.

2. **فقه اولویات**.

تدوین و تأسیس کردند.

فقه موازنات به این معنی: وزن نمودن مصالح مردم و موازنی بین مفاسد و مفاسد ، موازنی بین مصالح و مفاسد. باین معنی که مسلمانان بین منافع و مصالح که در زندگی دارند موازنی کنند و آنچه به سود و نفع شان است از آن استفاده نمایند.

فقه اولویات ، باین معنی که هر چیز را بجایش قرار داد و آنچه در مقدمه باشد در آخر باید آورد و نباید

فقه اقلیتهای اسلامی /

جوابگو حل مشکلات شان نیست و برای حل مشکلات معاصر سؤالات مهم را مطرح ساختند: مسلمانان از کدام روش فقهی میتوانند زندگی با سعادت را با حفظ هویت ملی و اسلامی در غرب داشته باشند؟

آیا مدارس فقهی چهارگانه اهل سنت و جماعت + جعفری هر کدام به تنهاei میتواند حل مشکلات معاصر مسلمانان در دیار غیر اسلامی باشد؟

در جواب این سؤالات علمای معاصر می گویند که مذاهب اسلامی هر کدام به تنهاei در عصر حاضر جوابگوی مشکلات معاصر مسلمانان نمی باشد و اما در مجموع با اجتهادات علمای معاصر می شود مشکلات معاصر مسلمانان را حل نمایند. ناگفته نماند که در داخل کشورهای اسلامی نیز از نیم قرن فقهاء و قانون دانان جهت تدوین قوانین از مذاهب مختلف استفاده می کنند و در گرفتن از نظریات فقهی غیر مذهب رایج در کشور مانع نمی بینند و قوانین افغانستان این میتواند و نظریه را تأیید و از مذاهب اهل سنت و جماعت در تدوین قوانین استفاده شده است. شرایط مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی با شرایط مسلمانان در کشورهای اسلامی کاملاً تفاوت دارد و مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی مشکلاتی دارند که مسلمانان در کشورهای اسلامی ندارند. برای حل این معضله علماء فقه جدید را تدوین و در فقه جدید شرایط عصر و محیط و مصلحت جامعه اسلامی مد نظر بود.

فقه اقلیتهای اسلامی در کشورهای غیر اسلامی

مسلمانان ضرورت و احتیاج برای تأسیس فقه جدید جهت حل مشکلات شان در غرب داشتند. فقهاء و علماء معاصر در نتیجه تغییرات که در زندگی مسلمانان در کشورهای غربی پیش آمده و مشکلات جدید که مسلمانان به آن مواجه اند مانند کار کردن در بانکهای

حسابات جاری ساکت و به نفع بانکها خارجی است. و همچنان سرمایه‌های مسلمانان در نتیجه تغییرات در قیمت پول هر سال تقلیل یافت و در مقابل بانکهای غربی که باسas سود کار می‌کنند از سرمایه‌های راکد مسلمانان سود و مفاد فروان بردند.

مسلمانان تا هنوز در مورد بیمه‌های اجتماعی فکر نکرده‌اند و خصوصاً ما افغانها از اجتهادات جدید در مورد بیمه‌ها بی خبر هستیم. با اینکه اکثر بیمه‌ها را نظر به مجبوریت مثل بیمه موتو و منزل و صحت را پذیرفته ایم اما در قلب به آن راضی نیستم و عده‌ای بین عقیده و باور اند که کار خلاف شریعت را انجام داده‌اند. تشویش و عدم استقرار را در این امور میتوان در نتیجه ضعف معلومات از مسائل اجتهادی معاصر در ساحة اقتصادی دانست.

برای توضیحات بیشتر نظریه علمای معاصر را در این مورد می‌آوریم:

حکم معامله سود از طرف مسلمان در دارحرب

سؤال : آیا شما (الزرقا) تقليد از مذهب فقهی معتبر حنفی را برای مسلمانانیکه به اروپا و امریکا مهاجر شده‌اند و مسلمانانی که مقیم اند و تابعیت این کشورها را گرفته اند اجازه می‌دهید تا با سود معامله کنند. آیا شما در پرتو این مذهب یعنی مذهب حنفی جواز میدانید که آنایکه در دارالاسلام سکونت دارند سرمایه‌ای خود را در بانکهای سود آور در اروپا و امریکا بگذارند و سود بگیرند؟

جواب : امام ابو حنیفه بصورت مطلق چنانکه در سؤال شما آمده معامله با سود را بین دارحرب و دارالاسلام جواز نمیداند لیکن رأی امام این است که اگر کسی به دارحرب (کشورهای غیر اسلامی) داخل شد و با امان زندگی کند و اجازه

فقه اقلیتهای اسلامی /

یک امر کوچک را بزرگ دانست و برعکس یک چیز بزرگ را کوچک فکر کرد.

فقه موازنات و فقه اولویات را اکثر مسلمانان تا هنوز صحیح نداسته اند و در تطبیق آن ناکام اند. مثلاً جامعه اسلامی باید فکر کند که کدام موضوع و مسأله باید در مقدمه باشد. آیا تعمیر مسجد اول است تا مکتب و یا قبرستان و یا شفاه خانه و پرورش گاه و یا منزل برای بزرگسالان. دیده میشود که دریک شهر تعداد مساجد فوق العاده زیاد است اما مسجد جدید ساخته میشود در حالیکه بزرگسالان جای برای زندگی خوب ندارند. و اطفال در پرورشگاه غیر اسلامی تربیه می‌شوند. ممکن بود یک مجله علمی و یک برنامه تلویزیونی اسلامی باشد در حالیکه بدون ضرورت هر مسجد یک نشریه و چندین دستگاه پخش تلویزیونی است.

عدم مراعات فقه موازن و فقه اولویات بزرگترین مانع در رفع مشکلات مسلمانان در غرب است .. کوچک شمردن یک موضوع بزرگ و بزرگ داشتن یک موضوع کوچک موازن را در زندگی مردم برهم می‌زند و نظام زندگی را متضرر می‌سازد.

فقه اقتصادی : این فقه در عصر حاضر با مقارنه با گذشته نظر به تغییرات که در ساحة اقتصاد در جهان اسلام و غیر اسلام رخ داده تفاوت کلی دارد. فقه اقتصادی مسائل مهم مالی و اقتصادی که در جهان معاصر پیش شده راه حل آن را مطالعه و معرفی می‌کند البته آن راه حل که مخالف با اصل فکر اقتصادی اسلام نباشد. فقه اقتصادی تمام مسائل اقتصادی را بعد اخلاقی میدهد. در عدم فهم صحیح از مسائل اقتصادی معاصر، مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی از سرمایه‌های خود استفاده صحیح کرده نتوانستند و عده‌ای تا هنوز منزل شخصی و مؤسسات تجاری و مسجد و مراکز اسلامی و اجتماعی ندارند و سرمایه‌های مسلمانان در

مفادی که بطريق سود باشد اجازه نداده بلکه گفته که : اگر ضرورت باشد - ضرورت انفرادی و جمعی - که در این حالت ممکن است مفاد مباح باشد و شیخ شلتوت معنی ضرورت را وسیع ساخته که ما با این وسعت آن موافق نیستیم.

اسلام، انسان را اجازه نمیدهد که سرمایه خود را به اساس فایده ثابت و محدد بگذارد و اگر در حقیقت شریک است باید در مفاد و ضرر شریک باشد. مفاد بانک برای شخص حلال نیست و نمی تواند از پول مفاد زکات خود را بدهد . مفاد بانک که حرام است، نه مال شخص و نه هم مال بانک است.

حرام ملکیت شده نمی تواند و باید آنرا صدقه کرد . بعضی علماء میگویند که اصلاً مفاد را باید گرفت و اگر گرفت آنرا تلف کند و آنرا صدقه نکند زیرا مال خبیث است.

لیکن این نظریه مخالف قواعد شریعت در منع از بین بردن سرمایه و عدم استفاده از آن است و باید کسی از آن استفاده کند. چون مال خودش نیست جواز دارد که بگیرد و صدقه کند بالای فقراء و مساکین و یا به پروگرامهای خیریه بدهد که به نفع و صالح اسلام و مسلمین می باشد .

فایده را باید به بانک گذاشت زیرا این عمل تقویت میکند بانکی را که به اساس سود کار میکند .

مفاد بانک در دارحرب

(کشور های غیر اسلامی)

اختلاف موضوع بین داراسلام و دارحرب : آنچه بیان داده شد در موضوع فایده بانکی در کشور های غیر اسلامی یا دارحرب بود و موضوع در کشور های اسلامی با داراسلام تفاوت میکند. اگر یک مسلمان پول نقد خود را در یکی از بانکها در دارحرب میگذارد حکم فقهی آن متفاوت است و از نظر فقهی در موضوع اموال حربیین (غیر مسلمان

فقه اقلیتهای اسلامی /

اقامت را داشته باشد برایش حلال است از سرمایه های شان (حربی ها « غیر مسلمانان در کشور های غیر اسلامی ») که به رضای شان بدون خیانت بدست آورد اگر چه بطريق غیر مشروع در اسلام باشد زیرا اموال حربی ها معصوم نیست و عصمت ندارد و می تواند از ایشان سود بگیرد و برای شان سود ندهد . این است حدود مذهب ابو حنیفه و لیکن امامان سه مذاهب دیگر اهل سنت و جماعت (شافعی، مالکی و حنبلی) و امام ابو یوسف به رأی و نظر امام ابو حنیفه و امام محمد مخالف اند .

این حکم بالای کسانیکه در داراسلام اقامت دارند تطبیق نمیشود و نمی توانند سرمایه خود را به دارحرب برای سود بفرستند زیرا در این حالت سرمایه مسلمانان به دارحرب انتقال میکند و یک ضرر اقتصادی برای مسلمانان می باشد .

رأی ابو حنیفه تحت شرایطی بود که از شریط امروزی ما تفاوت دارد نباید به این رأی رفتار نمود و آنرا گرفت ، و الله سبحانه أعلم .

حکم گرفتن مفاد از بانک

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد :

سؤال : من مامور عادی هستم مقداری از پول خود را جمع نمودم و به اساس فتوای شیخ شلتوت که مفاد بانکی را جواز داده و همچنان بعض علماء جواز و بعضی هم جواز نمیدانند. اگر مفاد گرفتن از بانک جواز ندارد ، به مفادیکه بدست می آید چه کنم ؟

جواب : مفادیکه انسان از گذاشتن پول خود از بانک می گیرد سود و حرام است و هر مفادیکه بدون تجارت و بدون زحمت بدست آید سود است (بقره: 278، 279).

معنی آن این است که انسان سرمایه خود را گرفته و آنچه زیادتر می ماند سود است زیرا مفاد بدون شرکت داشتن و بدون خطر و نه بشکل مضاربت و نه هم بصورت تجارت سود حرام است. شیخ ما شلتوت چنانکه میدانم

برای تفصیل نصوص فقهی و حول خلاف موضوع به { الدرالمختار و حاشیته «رد المختار» آخر باب ربا، از کتاب البيوع عند قول المصنف والشارح مراجعه شود و همچنان: «بدائع الصنائع» للكاسانی 5 / 192 «و شروح الهدایه مع فتح القدير» للكمال ابن الهمام 6 / 177 و 178). مراجعت شود}.

از آنچه در فوق ذکر شد در موضوع مورد بحث ما، در مورد گذاشتمن پول در بانکهای سودی در کشورهای غیر اسلامی (دار حرب) که در مقابل گذاشتمن پول مفاد میدهند در حکم آن یعنی در گرفتن و عدم گرفتن آن در اجتهدات مجتهدین اختلاف است.

در مذهب حنفی جواز دارد گرفتن مفاد و مصرف کردن آن در جهات دیگر (امور خیریه بطور عمومی) و در نزد امامان مذاهب دیگر و در (مذهب شافعی، مالکی، حنبلی) عدم گرفتن مفاد زیرا در نزد شان گرفتن فایده مطلقاً سود است.

مذهب حنفی که در رأس تمام مذاهب معتبر در دین است و امام آن ابو حنیفه رحمه الله تعالى از امامان بزرگ می باشد و در تقوی و علم از همه بالاتر است. حکم جواز سود یا مفاد بانکی که آنرا در این باب نقل و ذکر نمودیم، رأی شخص امام ابی حنیفه و صاحب وی امام محمد است نه رأی فقهای متاخر مذهب حنفی و اگر کسی به رأی این مذهب میگیرد خوب و اگر کسی از تقوی زیاد نمی گیرد می تواند نگیرد مثل سائر اختلافات در مسائل اجتهدادی.

{ برای معلومات بیشتر مراجعه شود به: فضل غنی مجددی «فقه اقلیتهای اسلامی در غرب». فضل غنی مجددی «استفاده از بیمه در کشورهای غیر اسلامی» و فضل غنی مجددی «بحث های دینی و فتوا های فقهی». این مراجع را از سایت «فرهنگ و ثقافت اسلامی» دریافت کرده میتوانید. islaminfo.one}.

فقه اقلیتهای اسلامی /

که در دار حرب «کشورهای غیر اسلامی زندگی دارند» در فقه است که: آیا مال شان (مردم دار حرب) معصوم است و یا نیست؟ مورد مناقشه می باشد. یعنی عصمت مال است یا نه البته در دار حرب.

حربین (حربی ها) در اصطلاح فقه اسلامی آن ملتی نیستند که مستقیماً با مسلمانان داخل جنگ باشند و در اصطلاح فقهی حربی، آنهای اند که از أهل ذمہ یعنی تابع دار اسلام نباشند و بین دولت اسلام و بین ایشان عهد قائم نباشد و ممکن باشد که بین آنها و دولت اسلام در یک زمان جنگ واقع شود.

در فقه حنفی اموال حربی ها غیر معصوم است لیکن اگر حربی به اجازه و به امان به دار اسلام داخل شد مال یا سرمایه ای که با خود دارد و با آن به دار اسلام داخل شده مثل مال مسلمان معصوم می باشد و گرفتن آن مباح نیست مگر به سبب شرعی.

پس اگر مسلمان به امان داخل دار حرب شد بروی واجب است تا به مردم دار حرب خیانت نکند و مال شان را بدون حق نگیرد مگر اینکه برایش اجازه داده شده باشد لیکن مقید به اسباب شرعی صحیح که در دار اسلام است نیست بلکه از مال شان آنچه به رضای شان باشد می تواند بگیرد اگر چه بطريق ممنوع از ناحیه اسلامی باشد حتی سود و حتی قمار اگر میداند که مفاد میکند. این تفصیل رأی راجح در مذهب حنفی است و این رأی امام ابو حنیفه و امام محمد بن الحسن الشیباني می باشد در حالیکه سه امام دیگر (امام شافعی مالک و احمد بن حنبل) و با ایشان امام ابو یوسف صاحب ابو حنیفه با نظر امام ابو حنیفه مخالف اند و این آنها نظر دارند که برای مسلمان که در دار حرب ساکن باشد حلال نیست از اموال حربی ها مگر آنچه برایش حلال است در دار اسلام و مسلمان التزام و پابندی به شریعت دارد چه در دار حرب و یا در دار اسلام باشد و برایش سود نه در دار اسلام و نه در دار حرب جواز دارد.

معرفی کتاب جدید

ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در ده فصل و 380 صفحه به طبع رسیده و برای مطالعه هموطنان عزیز آماده میباشد. قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست برای امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر. همچنان هموطنان عزیز از Amazon.com میتوانند کتاب را فرمایش دهند.

روش فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در 498 صفحه موضوعات فکری مسلمانان را به بحث می‌گیرد. قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست داخل امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر. این کتاب را مستقیماً از آموزن نیز بدست آورده می‌توانید.

مطالعه تمہیدی عصر رسالت و خلافت راشدہ

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در 420 صفحه مهمترین مسائل اقتصادی و سیاسی عصر اول اسلامی از تاریخ 1 تا 40 هجری را به بحث می‌گرد.

قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست برای امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر است.

مطالعه تمہیدی در فقه حنفی و جعفری

(توافق و تفاوت)

طبع چهارم در 384 صفحه

قیمت کتاب 25 دالر امریکائی.

کتابها را میتوانید از آدرس فقه اسلامی بدست آورید.

نوت: برای بدست آوردن کتابها آدرس و چک خود را به آدرس فقه اسلامی فرستاده منون فرماید /

حرمت موسیقی و آواز خوانی

برادر بزرگوار از سندیاگو بعد از برنامه بنده که به نیابت از فضیلت مآب قاری صاحب صفاتی الله صمدی بود تیلفونی تماس گرفت و حدیث را از بخاری نقل کرد که در آن موسیقی و آواز خوانی حرام مطلق است. و ضمناً بنده را مورد امتحان قرار داد و مخالفت خود را اظهار نمود و از من خواست تا برایش جواب بدهم.

حدیث شریف در بخاری باین عبارت آمده: از ابو عامر اشعری رضی الله عنه روایت استکه: از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم شنیده است که فرمودند: « از امته من مردمی خواهند آمد که: زنا و پوشیدن ابرایشم، و شراب و موسیقی را حلال وار مرتکب خواهند گردید..... ». (نمبر: حدیث 1934) .

من برای جناب عالی عرض کردم که حلال و حرام به حدیث احاداد که راوی واحدا شته باشد گرفته نمیشود. در مورداين حدیث امام محمد الغزالی می نویسد: این حدیث در جمله معلقات بخاری است و معلقات بخاری قابل استفاده میباشد و اکثر آن سند معلقات بخاری با هم متصل است. اما ابن حزم میگوید: سند این حدیث متصل نیست و بین بخاری و صدقه بن خالد روای حدیث اتصال وجود ندارد. مقصد از امام بخاری بصورت کل یعنی مجلس که در آن شراب و فسق و آواز خوانی و موسیقی یکجا باشد به اجماع مسلمین حرام است.

ابن حزم در حرمت آواز خوانی می گوید: در این باب هر آن چیزی که ذکر شده صحت ندارد و هر آنچه ذکر یافته موضوعی است و اگر سند آنها صحیح میبود و از طریق اشخاص با شفه روایت می شد آنرا می گرفتیم و از حکم آن بیرون نمی شدیم. ابن حزم می گوید که امام ابو حنیفه می گوید که اگر کسی آله موسیقی شخصی را می شکند باید جبران خساره او را بپردازد زیرا آله موسیقی از ملیکت شخص است.

برای معلومات بیشتر به کتاب « محمد الغزالی - السنۃ النبویة بین أهل الفقه .. و أهل الحديث » مراجعه نماید.

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
Islaminfo.one